

# جشن اول ماه مه را هرچه باشکوه تر برگزار کنیم!

نهادهای وابسته به رژیم و برگزاری این جشن با محتوای انقلابی و رزمجویانه بدون تردید از جمله با میزان تدارک و زمینه چینی های همه جانبه قبلی، با درجه روشنگری، بسیج و سازماندهی کارگران آگاه و نیروهای انقلابی و سنن برگزاری این جشن در واحدهای کار و تولید و نیز با خصلت بسیجگر و پرانگیزنده و مضمون ترقی خواهانه شعارهای این روز خجسته بستگی دارد. بقیه در ص ۲

**رهنمودها و شعارهای اول ماه مه**  
**کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
در ص ۲



شماره ۳۰۴ دوره هشتم  
سال چهارم - شنبه ۱۳۶۷/۱/۲  
بها ۲۰ ریال

## توجیهات رژیم جمهوری اسلامی

### برای ادامه جنگ

بیست و سوم فروردین ماه "صدای جمهوری اسلامی" پیش از پخش اخبار با نواختن مارشهای نظامی و سر و صدای فراوان، گزارش عملیات "بیت المقدس ۵" در منطقه پنجویں را پخش می کرد. باز هم صحبت از صدها کشته و زخمی و دهها اسیر عراقی بود. درباره کشتهها و زخمی های ایران، مانند همیشه، چیزی گفته نشد.

در این برنامه چند ساعت، صدای جمهوری اسلامی، علاوه بر خواندن اعلامیه های نظامی کوشید دلایلی نیز بر لزوم ادامه جنگ و کشت و کشتار بیپوده جوانان ایرانی و عراقی ارائه دهد. ظاهراً روی سخن نویسنده "تفسیر با کوردلانی" بود که هم خود را مسلمان می نامند و هم از ادامه جنگ ناراضیند.

معمولاً سخنگویان اصلی رژیم برای توجیه جنگ طلبی خود چنین استدلال می کنند، که چون رژیم عراق قابل اعتماد نیست، در صورت قطع جنگ از نو خود را برای هجوم بر کشور ما آماده خواهد ساخت و بیک اقتصاد جنگی را همراه با تشنج دائمی در مرزها به ما تحمیل خواهد کرد. بنابراین باید جنگ را تا پیروزی نهائی و روی کار آوردن یک حکومت اسلامی در عراق ادامه داد.

اما در تفسیر روز بیست و سوم فروردین "صدای جمهوری اسلامی" روی پنج دلیل دیگر برای توجیه ادامه جنگ تکیه می شد:

۱ - عراق معاهده ها و قوانین بین المللی را محترم نمی شمارد. دلیل آن پاره کردن قرارداد الجزایر میان ایران و عراق توسط شخص صدام روی صفحه تلویزیون عراق است.

۲ - عراق شهرهای مرزی ما، مانند قصر شیرین، نفت شهر، مهران و غیره را کاملاً ویران کرده است.

۳ - بمباران و موشک باران شهرها را عراق خیلی پیش از عملیات باز دارنده ایران شروع کرده است.

بقیه در ص ۲

## رسوایی انتخابات

نشان دهنده عدم اعتماد رأی دهندگان به اغلب کاندیداهای رژیم است. بدینسان، باز هم کار "تکمیل نمایندگان" به دور دوم انتخابات موقوف می گردد. به تعداد کل آرا اعلام شده از جانب رژیم به هیچ وجه نمی شود اعتماد کرد. چنین تبلیغ می شود، که گویا نسبت به انتخابات دوره اول بیش از ۶ میلیون و نسبت به انتخابات دوره دوم بیش از یک میلیون به تعداد رأی دهندگان اضافه شده است. این دروغ محض است. در تهران ۸ میلیون، که بویژه در انتخابات دوره اول مجلس، برخی نمایندگان بیش از ۲ میلیون رأی آوردند، امروز رفسنجانی، که تمام امکانات تبلیغاتی رژیم را پشت سر دارد، با رقمی بالغ بر یک میلیون و سیصد هزار رأی "انتخاب" می شود و آرا ۱ نفر دوم، حجت الاسلام کروی، به یک میلیون نمی رسد. بدون تردید در شهرستانها نیز وضع به همین منوال است. این در حالی است که جمعیت کشور، با رشد متوسط سالانه ۲/۶ درصد، افزایش چشمگیری داشته است. صرف نظر از آن که تعداد آرا واقعی همه نمایندگان انتخاب شده، بدون تردید بسیار کمتر از ارقام اعلام شده است، و این هر چه محدودتر شدن پایگاه رژیم را می رساند، تفاوت فاحش آرا رفسنجانی با کروی و دیگران (در بقیه در ص ۲

"شارش آرا" پایان یافت و نتایج "انتخابات" روشن شد. وزیر کشور ادعا می کند، که در جریان انتخابات دوره سوم مجلس "ما شاهد بالاترین حضور مردمی پس از انقلاب بوده ایم".

این ادعا با رسوایی تقلبی بودن آرا در حوزه های مختلف انتخاباتی، که در همه کشور بر سر زبانها افتاده است، همخوان نیست. حتی بسیاری از عوامل رژیم به این واقعیت اذعان دارند. همه می دانند، که اکثریت رأی دهندگان بالاجبار پای صندوقهای آرا کشانده شدند. چشم و گوشهای رژیم کار تهدید و ارعاب رابه آنجا رساندند، که احساس می شد، تأمین معاش خانواده و یا اثبات عدم وابستگی به "گروهکها" و گریز از بی آمده های آن به مهر انتخابات بستگی دارد. سو استفاده از باورهای مذهبی توده ها، نوشتن رأی برای اشخاص بی سواد، دست بردن در اوراق انتخاباتی، کشاندن نوجوانان ۱۶ - ۱۵ ساله بی پای صندوقها و غیره از شیوه های دیگری بود که رژیم بکار گرفت.

با اینحال، آرا بخش مهمی از ۲۷۰ نماینده مورد نیاز دوره سوم مجلس به حد نصاب نرسید و اینان نتوانستند به مجلس راه یابند. مثلاً در تهران، تنها ۱۴ نفر توانستند با کسب آرا بیش از ۵۰ درصد رأی دهندگان به نمایندگی انتخاب شوند، در حالی که ۲۰ نفر می بایستی انتخاب می شدند، که

## امضای قراردادهای حل سیاسی مسئله افغانستان

عبدالوکیل وزین نورانی، وزیران خارجه افغانستان و پاکستان، رسید عهترتند از: "قرارداد دو جانبه میان جمهوری افغانستان و جمهوری اسلامی پاکستان درباره اصول مناسبات متقابل، بویژه عدم مداخله و عدم تجاوز"، "قرارداد دو جانبه میان جمهوری افغانستان و جمهوری اسلامی پاکستان درباره بازگشت داوطلبانه پناهندگان" و "قرارداد درباره بقیه در ص ۸

روز پنج شنبه ۱۴ آوریل چهار قرارداد درباره حل سیاسی مسئله افغانستان در "کاخ ملت ها" ی ژنو به امضای رسید. این قرارداد محصول شش سال گفتگوی غیرمستقیم میان افغانستان و پاکستان، به سرپرستی دیپ کور دووس، معاون دیپرکل سازمان ملل متحد، است. پرس دکوئیتر خود ریاست مراسم امضای قراردادهای نامبرده را در ژنوه عهده داشت.

قراردادهائی که در این مراسم با امضای

## پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

## رسوایی انتخابات

تهران) با نقشه‌های رژیم بر ای کسب "محبوبیت" هر چه بیشتر برای وی در ارتباط تنگاتنگ است.

مجلس دوم، چنانکه انتظار می‌رفت، کارنامه کاملاً ناموفقی داشت و بدینسان می‌رود که عمر کوتاهش را بی پایان برساند. درگیری شدید بین جناحها در مجلس و بین مجلس و شورای نگهبان، مانع شد که رژیم در طول یک دوره بر بحران قانون گذاری غلبه کند. این واقعیت تلخی است که حاکمیت ج.ا. نیز به آن معترف است. "صدای ج.ا." در تفسیر سیاسی ۱۶ فروردین خود، بر بلاتکلیفی لویحی چون حدود بخش خصوصی، قانون تعارونی‌ها، لایحه توزیع، قانون کار، لایحه تجارت خارجی، قانون زمینهای کشاورزی، قانون صنایع و بسیاری قوانین دیگر که نقش زیربنایی در رشد و توسعه اقتصادی کشور دارد" تاکید کرد. در اطلاعیه انتخاباتی مشترک "دفتر تحکیم وحدت" و "انجمن اسلامی معلمان ایران-تهران" نیز عملکرد مجلس اول و دوم زیر علامت سؤال رفت و اعلام شد که "کیفیت مجلس دوم نتوانست راه تحقق اصلاحات چشمگیری را در رابطه با معضلات بجا مانده هموار نماید".

بدینسان، مجلس که با هزینه‌های بسیار سنگینی از بودجه کشور اداره می‌شد، نتوانست هیچ کار مؤثری در راه حل بحران قانون و قانون گذاری بر دارد و مردم بیش از پیش دریافته‌اند که وعده‌های وعیده‌های داده شده در "حل مسائل مهم اقتصادی، مبارزه با تورم، حل مسئله مسکن و زمین، رسیدگی هر چه بیشتر به امور محرومان و قشرهای کم درآمد، حل مسائل کشاورزی" و غیره در مجلس، با دها بوده است. این مجلس، حتی با دخالت خمینی، نتوانست "قانون کار" نیم بندی را که اینهمه در اطراف آن سر و صدا بر راه افتاد، از تصویب شورای نگهبان بگذراند - که نشان دهنده بحران در کل حاکمیت قرون وسطایی نظام "ولایت فقیه" است. مهمترین کار مجلس دوم، که بر ملا کننده ماهیت ارتجاعی آن است، تصویب بودجه‌هایی بود که قسمت اعظم آن به تامین هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی برای ادامه جنگ توسعه طلبانه اختصاص داشت و دارد. حال، در آستانه تشکیل مجلس سوم، دیگر بار همان وعده‌های گذشته تکرار می‌شود. خمینی، در پیام خود بمناسبت انتخابات، باز هم بر "اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفان" تکیه می‌کند و طرفداران "اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد... و در یک کلام اسلام آمریکائی" را مورد حمله قرار می‌دهد و از مردم می‌خواهد که آنان را طرد کنند. سران ج.ا. در سخنرانیهای خود، علیه "مستکبرین" داد سخن می‌دهند و بیشتر مانه می‌گویند که با کنار گذاشتن طرفداران "اسلام آمریکائی" "مسائل" حل خواهد شد. معلوم نیست که این مدعیان مخالفت با "اسلام آمریکائی" چه اتاکنون نتوانسته‌اند با استفاده از "اقتدار" خود "مستکبرین" را از سر راه بردارند و چرا تب مخالفت آنان با "اسلام آمریکائی" درست در جریان انتخابات بالا گرفته است.

هیئت موسان "روحانیون مبارز تهران" که اخیراً "با کسب نظر از محضر مبارک حضرت امام مدظله" از "جامعه" روحانیت مبارز تهران

انشعاب کرده‌اند و خود "حزب جدیدی" تشکیل داده‌اند، در بیانیه انتخاباتی خود می‌نویسند: "هر گروه یا قشری که به لحاظ وابستگی‌های موقعیت خود فاقد درک این معنا و عمل لازم برای رفع محرومیتها و رنجهای توده مردم می‌باشد، بدون تعارف باید از لیستهای انتخاباتی کنار گذاشته شود، تا اختلافها و بحرانهای مجلس دوم که در واقع حول همین تعارضهای فکری دور می‌زد از میان برداشته شود و مجلس سوم بتواند بدور از هر نوع کارشکنی و ائتلاف وقت، نیازهای قانونی رفع محرومیت‌های اجتماعی را پاسخ گوید". همچنین چنین تبلیغ می‌شود که "مجمع تشخیص احکام حکومتی" نیز "ضمن آنکه مجلس سوم را در راستای ارائه و تصویب لوایح زیربنایی به نفع مستضعفان در جایگاه مطلوبی قرار می‌دهد، امکان طرح مجدد بسیاری از لوایح بلاتکلیف بجای مانده از قبل را نیز بخوبی مهیا ساخته است" (تفسیر سیاسی صدای ج.ا. ۱۶ فروردین). بی‌پایه بودن چنین تبلیغاتی از هم اکنون روشن است. نگاهی به لیست اشخاص انتخاب شده برای نمایندگی "مجلس سوم" - که اکثریت آنان همان نمایندگان قبلی هستند - و نگاهی به ترکیب ناممکن اعضا مجمع نامبرده - که بعنوان نهادی بالای شورای نگهبان و مجلس وزیر نظر "ولایت فقیه" تعیین شده است - نشان می‌دهد که از مجلس آینده نیز کاری ساخته نیست. باز هم اختلافها و درگیریها بر سر قدرت و منافع گروهی در اشکال گوناگون بروز خواهد کرد و در این میان این توده‌ها هستند که سرشان بی‌کلاه خواهد ماند.

نکته دیگری که در ارتباط با انتخابات "مجلس سوم" باید به آن اشاره کرد عدم پای بندی خمینی و پیروانش به اخلاق سبب می‌شود که خلاف تصمیمهایی که خود می‌گیرند عمل می‌کنند. بر خلاف تبلیغات وزارت کشور در زمینه عدم شرکت مردم در انتخابات و قسمت دوم پیام خمینی که "مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند"، تشکلهای وابسته به رژیم از قبیل "روحانیون مبارز تهران"، "جامعه" روحانیت مبارز تهران، "دفتر تحکیم وحدت"، "انجمن اسلامی معلمان ایران"، "انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها" در تهران و نیروهای مشابه در شهرستانها، هر کدام رسالتهای انتخاباتی خود را در روزنامه‌های مجاز کشور منتشر ساختند و همه امکانات تبلیغاتی در اختیارشان گذاشته شد. حتی برخی از این تشکلهای با هم ائتلاف کردند و لیست مشترک دادند. بدین ترتیب، این تنها احزاب و سازمانهای مردمی، مترقی و انقلابی بوده‌اند، که از هر گونه امکانی برای شرکت آزاد در انتخابات محروم مانده‌اند.

البته این اولین باری نیست که معلوم می‌شود که رژیم ج.ا. برای رسیدن به هدفهایش، آنجا که ضرر ببیند، تصمیمهای رسا اعلام شده خود را نیز زیر پای گذارد.

این است مفهوم آزادی مردم در انتخابات و احتیاج نداشتن به قیم. آیا می‌شود به وعده‌های سردمداران مرتجع ج.ا. که خود را قیم مردم می‌دانند و به تجربه ثابت شده که وقتی پای منافعشان پیش می‌آید زیر حرفهایشان می‌زنند کوچکترین اعتمادی داشت؟ بقول معروف، ما که چشمان آب نمی‌خورد.

## توجیهات رژیم جمهوری...

۴- عراق بارها دست به جنگ شیمیایی زده که آخرین نمونه آن بمباران شیمیایی شهر حلبچه است.

۵- عراق اسرای جنگی ایران را به قتل رسانده است. در سال ۱۹۸۳ یکی از فرماندهان عراقی در برابر تلویزیون به صدام گزارش می‌دهد که برای صرفه جویی در مهمات اسیران ایرانی را با سنگ می‌کشته است و صدام بر او خشم گرفته که چرا پوستشان را نکنده است.

از همه این مقدمه چینی‌ها مفسر نتیجه گرفت که چطور می‌شود از صلح با چنین رژیم صحت کرد. و افزود: "در میان ما فقط از خونخواهی و عدالت می‌تواند صحبت باشد، تا کشاندن آنان به پشت میز محاکمه عدل اسلامی!"

البته این "استدلالتها" برای توجیه ادامه جنگ، که به قصد تأثیر گذاشتن بر احساسات شنوندگان سر هم بندی می‌شود، به دلایل گوناگون است است ولی آیاهمین یک دلیل که هر روز ادامه جنگ به بهای کشته و غلیل شدن هزاران جوان ایرانی و عراقی در جبهه و پشت جبهه، ویران گردیدن شهرهای ایران و عراق و نابودی اقتصاد دو کشور تمام می‌شود کافی نیست؟

در دنیای کنونی، که سلاح‌های مخرب و جنگ افزارهای هسته‌ای و شیمیایی وجود دارد، و هر جنگی، علاوه بر زیانهای سنگین انسانی و اقتصادی می‌تواند پیامدهای درازمدت زیستی برای بقای نسل بشر داشته باشد، اسیر انتقام جویی بی‌حد و مرز شدن، حاکی از عدم درک مصالح ملی و بین‌المللی است.

سران رژیم از یک سو تبلیغ می‌کنند که عراق از ایران شکست خورده و "ارتش زبون" این کشور می‌کوشد بهر صورت خود را از باتلاق جنگ بیرون بکشد و از سوی دیگر مدعیند که اگر با عراق صلح کنیم و بگذاریم خود مردم عراق در مورد سرنوشت حکومتشان تصمیم بگیرند، صدام دوباره به خاک ایران تجاوز خواهد کرد! این "استدلال" در واقع بهانه‌تراشی برای ادامه جنگ است و سفسطه‌ای بیش نیست.

اگر صحبت از ریاکاری و بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی باشد، تصور نمی‌رود سران هیچ کشوری به اندازه سران مرتجع جمهوری اسلامی ریاکار و خودسر باشند. اینان نه تنها "اعلامیه" حقوق بشر" را قبول ندارند و شکنجه بدستور حاکم "شرع" را رحمت محسوب می‌کنند، بلکه حاضرند برای حفظ "کیان اسلام" به هر ایرانی و غیر ایرانی از پشت خنجر بزنند.

اینکه صدام معاهده الجزایر را در برابر دوربین تلویزیون پاره کرده، شهرهای مارا ویران ساخته، متوسل به جنگ افزار شیمیایی شده، موشک پیرانی کرده و دستور داده که پوست اسیران ایرانی را بکنند ارتباطی با مردم عراق ندارد و شخص او باید پاسخگوی آن باشد، همچنانکه مردم ایران پاسخگوی جنایات خمینی و دار و دسته‌اش نیستند. در حالیکه ادامه جنگ نه به ضرر صدام و خمینی، بلکه به زبان خلقهای برادر ایران و عراق است. صدام و خمینی در کاخهایشان نشسته‌اند و زحمتکشان دو کشورند که در جبهه و پشت جبهه بخاطر مطامع آنان کشته می‌شوند.

## رهنمودها و شعارهای اول ماه مه کمیته مرکزی حزب توده ایران

\* زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

\* پیروز باد مبارزه\* بشریت مترقی و صلحدوست و پیشاپیش آن طبقه\* کارگر جهانی، در راه صلح و تنش زدایی و جهانی عاری از جنگ افزا!

\* کارگران و زحمتکشان ایران! از ابتکارات و پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی کنید!

\* جبهه های جنگ را تحریم کنید!

\* از هر گونه کمک "مالی و جانی" به جبهه ها سر باز زنید!

\* بجای خرید یا تولید گلوله و بمب می توان چرخهای تولید صنایع غیر نظامی را بکار انداخت و برای زحمتکشان کار، نان و مسکن تامین کرد!

\* برای پذیرش قطعنامه\* ۵۹۸ شورای امنیت و پا گرفتن صلح عادلانه، رژیم رابیش از پیش تحت فشار قرار دهید!

\* در مبارزه بخاطر پایان بخشیدن به جنگ تنها نیستید، همه\* نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان که در راه صلح و خلیع سلاح می رزمند، از این خواست بر حق شما پشتیبانی می کنند!

\* آزادیهای سیاسی برای تشکل و مبارزه\* کارگران و زحمتکشان در راه دستیابی به خواسته هایشان اهمیت حیاتی دارد!

\* روز اول ماه مه را به روز مبارزه در راه آزادیهای سیاسی و اجتماعی تبدیل کنید!

\* کارگران و زحمتکشان! در راه آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی مبارزه کنید!

\* از هیچگونه حمایت مادی و معنوی از خانواده های زندانیان سیاسی دریغ نوزید!

\* طبقه\* کارگر متحد همه چیز، طبقه\* کارگر مترقی هیچ چیز!

\* فعالان صنفی! کارگران آگاه و پیشرو! هسته های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه ها را در محیط های کار و تولید و در درجه\* اول کارگاههای بزرگ صنعتی تشکیل دهید!

\* در راه بهبود شرایط کار و زندگی باید بیکار کرد!

\* علیه سیاست تعطیل کارخانه ها و اخراج و باز خریدهای فردی و جمعی به مبارزه\* خود ادامه دهید!

\* کارگران و زحمتکشان شاغل! همبستگی خود را با کارگران بیکار و اخراجی گسترش دهید! دست در دست آنها بگذارید و بیکار خود بخاطر تامین امنیت شغلی را سازمان دهید!

\* قانون دست و پا شکسته\* بیمه\* بیکاری، پاسخگوی خواست طبقه\* کارگر نیست!

\* بیمه\* بیکاری باید شامل حال همه\* زحمتکشان گردد!

\* خواهان افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه\* زندگی شوید!

\* افزایش دستمزد باید شامل همه\* کارگران و زحمتکشان شهر و روستا شود!

\* کارگران! حق بهره وری تولید از حقوق مسلم شاست، باید بطور منظم پرداخت گردد و به همه\* زحمتکشان تعلق گیرد!

\* برخورداری از مسکن مناسب و ارزان حق هر زحمتکش است!

\* به کار کودکان و نوجوانان باید پایان داد! جای آنان پشت میزهای مدرسه است!

\* با اخراج زنان زحمتکش و تبعیض نسبت به آنان در محیط های کار مبارزه کنید!

\* باید زنان زحمتکش از حقوق یکسان با مردان برخوردار شوند!

\* امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان است.

\* کارگران و زحمتکشان ایران! به حزب توده\* ایران، حزب طراز نوین طبقه\* کارگر ایران، بپیوندید!

\* ننگ و نفرت بر سیاست مداخله گرانه\* سران مرتجع ج.ا.و در امور داخلی افغانستان!

\* پیروز باد قیام خلق فلسطین، به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی!

\* درود بر جنبش کارگری و کمونیستی جهانی!

\* درود آتشین بر میهن دوستان و آزادیخواهان و کمونیستهای زندانی در سیاهچالهای ارتجاع و امپریالیسم در سر اسر جهان!

## جشن اول ماه مه را هر چه ...

در این پیوند، باید خاطر نشان ساخت که طبقه\* کارگر ایران با برخورداری از پیشینه\* غنی بیش از هفتاد سال مبارزه\* سندیکیایی و سیاسی، همواره پاسدار سن مترقی و انقلابی جنبش کارگری جهانی بوده و هست. در همه\* سالهای فرمانروایی حکومت ترور و خفقان، خواه در دوران ستشاهی و خواه در سالهای اخیر، کارگران آگاه و مبارز با تعطیل روز اول ماه مه و برپایی محافل جشن و آئینهای مستقل این روز بزرگ را گرامی داشته اند. گر امید اشتی بحق پر معنا و غرور انگیز، که نفرت از مراسم نمایشی و فرمایشی جوهره و آمیزه\* آن بوده است.

با توجه به فضای حاکم بر محیط های کار و تولید، بویژه لاینحل ماندن انبوه مشکلات و مسائل حاد و جدی در ارتباط با کار و زندگی کارگران و دیگر زحمتکشان، و ژرفش ناخشنودی و مخالفت فزاینده\* آنها نسبت به رژیم و سیاست و عملکرد آن، امسال نیز فعالان صنفی و نیروها و کارگران پیشرو می توانند، با تکیه بر خواسته های صنفی و سیاسی طبقه\* کارگر و دیگر قشرها و طبقات زحمتکش،

زمینه\* روشنگری، بسیج و سازماندهی آئینهای مستقل اول ماه مه - را در سطحی به مراتب وسیع تر و باشکوه تر از سالهای گذشته - فراهم سازند. جنب و جوشی، که از چند هفته\* پیش در کارگاههای صنعتی، بویژه کارگاههای صنعتی بزرگ، در این راستا آغاز گردیده، بسیار امیدبخش است.

در چنین شرایطی، برای مسلح ساختن زحمتکشان - که یک سال سراسر کار و بیکار را پشت سر گذاشته اند - به شعارها و رهنمودهای اول ماه مه، شعارها و رهنمودهایی که بیانگر خواستها و منافع طبقاتی آنها باشد و بتواند به آئینهای آنها خصلت انقلابی ببخشد و درفش رزم آنها گردد، وظیفه\* پراهمیتی در برابر فعالان صنفی و نیروهای انقلابی، بویژه هسته های حزبی توده ای، قرار می گیرد. هسته های حزبی، بویژه هسته های کارگری، بسته به شرایط و امکانات و با رعایت اکید اصول پنهانکاری، علاوه بر اقدام در راستای تشکیل کمیته ها یا کمیسیونها و یا انجمن های مخفی تدارک

برای برگزاری مراسم و آئینهای مستقل جشن اول ماه مه از بین مطمئن ترین و آگاه ترین زحمتکشان، باید بکوشند، در سطحی هر چه گسترده تر اعلامیه و به همراه آن شعارها و رهنمودهای کمیته\* مرکزی حزب توده\* ایران، حزب طراز نوین طبقه\* کارگر ایران، بمناسبت اول ماه مه را در میان زحمتکشان پخش کنند.

در آستانه\* روز همبستگی بین المللی زحمتکشان باید کارگران را با دیدی روشن نسبت به رسالت طبقاتی و تاریخی خود و با آگاهی از خواستها و وظایف امروز و فردایشان به صحنه\* بیکار پر تلاطم اجتماعی کشاند. باید کوشید، روز اول ماه مه را به روز گسترش دامنه\* همبستگی طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان، به روز تشدید مبارزه علیه ستم سرمایه و رژیم مدافع آن در ایران، به روز تشدید مبارزه بر ضد ارتجاع و امپریالیسم و در راه برپایی "جبهه\* آزادی و صلح" و سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" تبدیل کرد.

## خجسته باد اول ماه مه،

## روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان!



## شرایط کار در معادن کرمان

شرایط کار ۱۷۰۰۰ نفر کارگر "شرکت سهامی ذغال سنگ کرمان" براساسی دشوار و توانفرساست و تصویری از رنج و محرومیت عظیم کارگران معادن ایران را بدست می‌دهد.

"شرکت سهامی ذغال سنگ کرمان" تحت پوشش شرکت ملی فولاد ایران قرار دارد. اداره "مرکزی این شرکت و آموزشگاه معدنی آن در اردوی ذوب آهن کرمان و معادن ذغال تحت نظر شرکت در مناطق چهارگانه" پابدا، ناپ، نیرو و هجدک واقع شده است. ذغال استخراج شده در این مناطق با کمپرسی‌ها به زرنده حمل و تحویل کارخانه "ذغال سویی" می‌شود. در آنجا پس از شستشو، توسط قطار مستقیماً به کوره "ذوب آهن اصفهان" منتقل می‌گردد.

شرایط کار کارگران بویژه معدنکارانی که در مناطق استخراج ذغال سنگ سرگرم کارند، بسیار سخت و طاقت فرساست. کارگران از هر گونه وسایل ایمنی، حتی در چارچوب موارد پذیرفته شده از سوی شرکت، محروم هستند.

\* کپسول هوا، کپسول هوا که تا چند سال بعد از انقلاب نیز اجباری بود و کارگران می‌بایست به هنگام کار همراه داشته باشند تا در مواقع ریزش تونل و گاز گرفتگی مورد استفاده قرار گیرد، در حال حاضر بعلت کمبود و در مواقعی بعلت نبود مدیریت صحیح و انضباط کاری بکلی برچیده شده است و در نتیجه کارگران بیش از پیش دچار سانحه می‌شوند و جسم بی‌جانشان از تونل بیرون می‌آید.

\* چراغ، دومین وسیله ضروری برای کار در تونل چراغ است. چراغهای فعلی تونل‌ها بعلت فرسودگی پیل‌های خشک و در مواردی بخاطر شارژ و دشارژ ناصحیح از بین رفته‌اند با اینکه بعد از یکی دو ساعت روشن بودن با سوزن خوردن خاموش می‌شوند. کار در تونل‌های تنگ و تاریک، بگونه‌ای فزاینده قوه بینایی را از چشمان کارگران می‌رباید.

\* ماسک، از بین ماسکهای گوناگون وارداتی، تنها ماسکهای ساخت اتحاد شوروی با استقبال عمومی معدنکاران روبرو شد و جایگزین دیگر ماسکهای رنگارنگ گردید. فیلتر ماسک‌ها می‌بایست هر هفته یا هر ده روز یکبار عوض شود. ولی، مسئولان، گاه ماهها این فیلترها را عوض نمی‌کنند. اخیراً نیز توزیع ماسکهای وطنی آغاز شده است که از کیفیت نازلی برخوردارند و بیشتر شبیه ماسکهای انگلیسی هستند.

\* پوتین صنعتی، پوتین صنعتی یکی از وسایل مهم ایمنی کارگران در زیر زمین بشمار می‌رود.

پوتین صنعتی پا را از رطوبت آب حفظ می‌کند. پوتین صنعتی باید از چنان کیفیتی برخوردار باشد که در مواقعی که مثلاً قطعه آهنی روی پای معدنکار می‌افتد آسیبی به او نرسد. ولی از سال ۶۲، بجای چکمه‌های صنعتی ساخت اتحاد شوروی، چکمه‌های صنعتی نامرغوب از جمله چکمه‌های وطنی ساخت کفش ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این چکمه‌ها پای پوشنده "آترا از رخنه" رطوبت و آب محفوظ می‌دارد، ولی ضد ضربه نیستند. کارگران بشوخی می‌گویند این چکمه‌ها مال زنان رختشوتوی رختشویخانه است، نه مال کارگر معدنچی در زیر زمین.

\* دستکش، دستکش بسیار دیر به دیر در اختیار کارگران گذارده می‌شود. از این رو در مواردی که اندک، کارگران ناگزیرند به حساب جیب خود دستکش بخرند. یکبار نماینده "کارفرما" در پاسخ اعتراض کارگران و قیحانه گفت: اینک کارگر دستانش تا اول می‌زند، طبیعی است.

\* لباس، لباس کاری که به کارگران داده می‌شود، به همه چیز شبیه است بجز لباس کار کارگری. از این رو کارگران اغلب با دستکاری در ترکیب و دوخت لباسها، آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند. اکثر کارگران چون وضع مالیشان بد است و توانایی خرید لباس شخصی را ندارند، یکدست از این لباسها را سر کار می‌پوشند و دست دیگر را تمیز نگاه می‌دارند و با اندک تغییری در ظاهر و دوختشان، آنها را در برون از محیط کار به تن می‌کنند.

\* شیر، کارگری که در زیر زمین، در تونل‌های آکنده از گرد و خاک و غبار غلیظ ذغال و گازهای سمی کار می‌کند، حتماً به تأشید و تصویب اداره "کار و خود شرکت، بایستی هر روز در سر کار، مقداری شیر داغ پیش از ورود به تونل بنوشد تا زبانه‌های ناشی از کار در محیط ناسالم به حداقل برسد. ولی عملاً کارگران گاه ۶ ماه یکبار هم چشمان به شیر نمی‌افتند. معمولاً هر سه یا چهار ماه یکبار هم که شیر می‌آید، یکجا پنج، شش الی ده پاکت شیر به کارگران تحویل می‌دهند و کارگران فقرزده و محروم نیز آنها را برای تغذیه خانواده‌های خود بخانه می‌برند.

\* غذای روزانه (ناهار و شام) کارگران را بعد از انقلاب قطع کرده‌اند و در برخی مناطقی از بهمین ماه ۶۶ شروع به دادن ناهار کرده‌اند. افزون بر اینها به کارگرانی که بیش از پانزده سال است در این معادن کار می‌کنند و رنج می‌برند و غربال شده "خیل کارگرانی هستند که اغلب پس از سالیانی کار بخاطر ابتلا به انواع بیماریها از جمله ضعف بینایی و بیماریهای ریوی و با بخاطر نقص عضو در اثر سانحه زمین گیر می‌شوند، هنوز روزمزد هستند و رسمی نشده‌اند. روند رسمی شدن بسیار کند پیش می‌رود.

## خطر اخراج در "جبال"

در کارخانه جبال ("جنرال" سابق) نیز تصمیم

مدیریت در زمینه افزایش ساعات کار، حذف نهار و کار در روزهای پنجشنبه با شکست روبرو شد. حرکت اعتراضی متحد کارگران سبب وحشت مدیریت و پس گرفتن تصمیم وی شد. گفته می‌شود که مدیریت "جبال" قصد دارد ۱۲۰ نفر از کارگران این واحد را اخراج کند.

## سبب پرویی و وقاحت!

در جریان پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل در "چدن چکش کار ایران" ("مالی هل" سابق) دو نفر از اعضای انجمن اسلامی تقلب کردند. این دو نفر: شعبانی و طاهرپور، با استفاده از نفوذ خود در میان کسانی که طرح را پیاده میکردند، اولی برای خود ۱۴ سال سابقه کار تراشید و دومی مدرک سوم متوسطه‌اش را به دیپلم تبدیل کرد. کارگران در جریان قرارگرفتن و با پیگیری خواهان تجدید نظر در احکام و اخراج دو نفر یاد شده گردیدند. با آن که شعبانی افشاگر اصلی را تهدید میکرد که "کاری میکنم شانه پاسدارها بپایند، حتی اجازه ندهند لباس را بپوشی و بجای بپهرندت که پشیمان بشوی"، کارگران از خواست خود صرف‌نظر نکردند. نماینده انجمن‌های اسلامی در "صنایع گسترش" به کارخانه آمد و سعی کرد کارگران را "آرام" کند. نتیجه آن شد که، احکام تقلبی عوض شد، اما شعبانی و طاهر پور اخراج نشدند. کارگران "چدن چکش کار ایران" افراد یاد شده را سبیل پرویی و وقاحت می‌دانند و می‌گویند: "اگر ما بودیم از خجالت آب شده بودیم، اما این آقایان حتی خم به ابرو نمی‌آوردند".

## خبرهای کوتاه

\* چندی پیش گروهی از مسئولان بلند پایه "کارخانه" خاور" رشت بعلت دزدی و ارتشا دستگیر شدند. معلوم شد که مسئولان انبار، بسته‌بندی و دایره "فنی با تباری یکدیگر به کامیون‌هایی که نخ حمل می‌کردند هر بار ۱۴۰ الی ۲۰۰ کیلوگرم اضافه بار می‌کردند و در هر نوبت بارگیری حدود ۱۰ تن نخ سرقت می‌شده است. بدینسان با احتساب کیلوئی ۷۰۰ ریال در هر نوبت حدود هفتصد هزار تومان از دسترنج کارگران سو استفاده می‌شده است.

نکته: جالب این که اخیراً با پادرمیانی "برخی اشخاص بانفوذ" دستگیر شدگان آزاد شدند و اعلام شد که "قضیه سو تفاهم بوده است".

\* بعلت نبود مواد اولیه تعطیلات تابستانی "برجستون" شیراز از ۲۰ روز به ۲ ماه افزایش یافت.

\* ۳ نفر از کارگران اخراجی "ایران بزرگ" بهر کارخانه‌ای که برای استخدام رجوع می‌کنند به آنها پاسخ منفی داده می‌شود. انجمن‌های اسلامی و غیره به آنها می‌گویند که اخراج شما حتماً دلیل سیاسی داشته است.

کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته‌های صنی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

## پایمال کردن حقوق انسانی زن

## و سیاست "کی بود، کی بود، من نبودم!"

بیست و سوم اسفند ماه ۱۳۶۶ روزنامه "کیهان" مصاحبه\* رئیس جمهور با مجله\* "زن روز" را منتشر کرد. بخش بزرگی از این مصاحبه به مسئله\* تعداد نمایندگان زن و نقش آنان در مجلس طی دو دوره\* گذشته اختصاص یافته بود. خبرنگاران مجله\* "زن روز"، با توجه به اینکه، تا بحال تعداد نمایندگان زن در مجلس تنها چهارتن، نه بیشتر و نه کمتر بوده است نخست کوشیدند، راز علاقه\* گردانندگان رژیم به عدد "چهار" در مورد زنان را کشف کنند. از اینرو نخستین پرسش خبرنگاران این بود: "در جامعه\* ما ظاهر آبرای خانمهای نماینده و تعداد آنها یک عرف سیاسی پذیرفته شده ای از طرف گروهها بوجود آمده است و آن اینکه باید تعداد خانمها چهار نفر باشند".

خانمهای پاسخ داد، که چنین چیزی را "احساس" نکرده است. او حتی نمی دانست که در دوره\* اول چند نماینده\* زن در مجلس بوده اند، ولی اظهار عقیده کرد، که "هم از لحاظ مصلحت و هم از نظر واقعیت خارجی، چهل نفر زن نماینده هم در مجلس باشند، برای مجلس بد نیست".

اما واقعیت اینست که در لیست ۱۹۶ نفری تهیه شده توسط وزارت کشور و شورای نگهبان حافظ "شرع"، تنها نام ۱۵ زن به چشم می خورد. از بررسی اسامی کاندیداهائی، که "صلاحیت" آنان مورد تایید قرار گرفته بود، نتایج زیرین بدست آمد: در میان نامهای ۱۴۰ داوطلب نمایندگی از تهران ۱۲ زن وجود داشت. در مشهد نام دوزن و در یزد نام یک زن در میان کاندید اها بچشم می خورد. همین ویس!

در دیگر شهرهای بزرگ و کوچک حتی یک نام زن وجود نداشت. یعنی در شهرستانها نه تنها از تعارفات نمایی نسبت به زنان هنوز خبری نیست بلکه گوئی هنوز رسوم "پدرشاهی" بشدت حکمفرماست. ضمناً هنگامیکه "جامعه" روحانیت مبارز تهران و دیگر گروههای "مؤتلف انتخاباتی" لیست های سی نفری کاندیداهای خود را برای تهران اعلام کردند، تنها نام سه زن را در آن گنجانیده بودند: خانم دستغیب، رجائی و دباغ یعنی سه تن از همان چهار نماینده\* زن دوره\* دوم. در شهرستانها بجز سه نفر یا هیچ زنی داوطلب نمایندگی نشده بود و یا اگر شده بود، شورای نگهبان و وزارت کشور او را "صالح" تشخیص نداده بودند. تصور ما بر اینست که برخی زنان نخواستند در این نمایش تهوع انگیز، نقش "سنگ روی یخ" را بعهده گیرند.

اگر تعداد زنان و مردان ایرانی را تقریباً برابر بگیریم، هر یک حدود ۵۰ درصد دارندگان حقوق انتخاباتی را تشکیل می دهند. اما تعداد کاندیداهای زن حدود ۷۶٪ درصد و تعداد کاندیداهای مرد حدود ۹۹٪ درصد تعداد کل کاندیداها بود. در دوره\* دوم، که در میان ۲۷۰ نماینده\* مجلس چهار زن وجود داشت، نسبت میان آنان بترتیب ۱/۴۸ درصد و ۹۸/۵۲ درصد بود. در مجلس آینده، یعنی دوره\* سوم، این ارقام احتمالاً به ۱/۱۱ درصد و ۹۸/۸۹ درصد تغییر خواهد یافت.

زیرا پس از دور اول که دوزن انتخاب شدند، در دوردوم تنها یک زن دیگر شانس انتخاب شدرا دارد. اما این تنها بُعد مسئله نیست. خبرنگاران "زن روز" پرسش زیر را نیز در برابر رئیس جمهور گذاشتند: "هم صاحب نظران و هم مردم معتقد بودند، که خانمهای نماینده در جهت رفع مسائل زنان حرکت چشمگیری انجام نداده اند. شافکر می کنید که چه عاملی باعث شده که خانمها نتوانند در مجلس موفق باشند؟ ... حضور خانمها در مجلس و حتی معرفی آنها بیشتر شکل نمایی بخود گرفته است". آقای رئیس جمهور درباره\* نقش زنان نماینده در مجلس اطلاع درستی نداشت، ولی به نیاز جمهوری اسلامی به کارهای نمایی در مورد زنان آشکارا اعتراف کرد: "البته این را به شما بگویم که حضور زنها از لحاظ نمایش دادن دخالت زنان در مسائل جامعه چیز بدی نیست، ولی اگر منحصر نمایی باشد بد است".

اما باید گفت، که کارها هم نمایی و هم محدود به چار دیواری تهران است.

در دوره\* اول مجلس خانم طالقانی یکی از نمایندگان زن بود. او گهگاه مسائل ویژه\* زنان را در مجلس مطرح می کرد. ولی در دوره\* دوم او را به مجلس راه ندادند و بجای او هسر رجائی را بخاطر تقدیر از شوهر از دست رفته اش به مجلس آوردند. اما بانو رجائی در عمل نشان داد، که با مسائل اجتماعی زنان آشنائی چندانی ندارد و از چارچوب نصابی مبتذل روضه خوانها مبنی بر رعایت "حجاب اسلامی" و ترساندن زنان از "آتش جهنم" و توصیه\* غیر عملی سرمشق قرار دادن شیوه\* زندگی زنان در ۱۴ قرن پیش، یعنی مسائلی که روزانه در مساجد و منابر و رسانه های گروهی تکرار می شود، پافرا تر نمی نهد و در مورد حقوق زنان چیزی ندارد که بگوید.

آوردن خانم رجائی به مجلس یک کارخالص نمایی برای کسب آبروی دروغین برای "اسلام فقامتی" بود. او خود قربانی بی عدالتی نسبت به زن ایرانی است و ما قصد خرده گیری برایشان را نداریم.

آقای رئیس جمهور در این مصاحبه اعترافات رسواکننده ای پیرامون بی حقوقی زنان در جمهوری اسلامی بر زبان می آورد که با ادعاهای سران جمهوری اسلامی نمی خواند. او می گوید: "مادوران طولانی را گذراندیم که در آن نه خود زنان نقش خودشان را شناختند و نه مردها به نقش آنها پی بردند. در طول چند قرن در کشور ما و بسیاری کشورهای دیگر به زن اهانت شده و به عنوان یک موجود درجه دو به حساب آمده است. این تفکر منتهی شده به اینکه در کشور ما تعداد زنهای باسواد و سیاسی و آگاه از مسائل جاری نسبت به مردها کمتر باشد ... در طول سالهای متضادی، هم به نام اسلام - که البته این نسبت خلاف واقع بوده - و هم بر اثر فرهنگ به ارث مانده از ایران قدیم زنها مورد اهانت قرار گرفتند و این وضعیت بسیار نامطلوبی را در جامعه\* زنان ایران بوجود آورده است ...

زن در جامعه\* ما یک عنصر مظلوم است که البته بعد از انقلاب هم وضع او خیلی فرق نکرده است ... مادرهای مظلوم توسط فرزندانشان و زنهای مظلوم توسط شوهرانشان در جامعه\* ما کم نیستند. البته عده ای ممکن است فکر کنند که این ناشی از حق طلاق است که در دست مرد می باشد. اما من این نظر

را قبول ندارم. بلکه این راناشی از یک سلسله مسائل زیاد می دانم که به زن جرأت و شهامت نمی داده که خانه مثل یک موجود مستقل و برابر با مرد رفتار کند. به دشواری می توان پذیرفت که بی حقوقی زن در ایران فقط یادگار فرهنگ به ارث مانده از ایران باستان است. بویژه که خود رئیس جمهور هم چند سطر پائین تر، در مورد بیست سال پیش که قصد ایجاد یک دبیرستان اسلامی دخترانه در مشهد را داشته می گوید: "عده\* زیادی می گفتند که اصلاً چه لزومی دارد که دختر مسلمان به دبیرستان برود". به دیگر سخن "اسلام" حاکم بر حوزه های "علمیه" با کسب غلم از سوی زنان، حتی در دبیرستانهای "اسلامی" مخالف بوده و آنرا خلاف "شرع" می دانسته است.

ضمناً شخص رئیس جمهور هم، که چنین تظاهر به دلسوزی برای زنان می کند مدعی است که اگر "یک زنی را به عنوان وزیر برگزینیم، از جمله متعصب ترین کسانی که در جامعه\* ما مخالفت خواهند کرد، زنان خواهند بود". البته زنانی مانند خانم رجائی که پیشنهاد کرد چند زن بی حجاب را اعدام کنند تا مایه\* عبرت سایر زنان شود و همچنین روحانیون مرتجع با وزیر شدن زنان مخالفت خواهند کرد ولی این را نمی توان و نباید به حساب همه\* زنان و همه\* مردم ایران گذاشت.

سید علی خامنه ای زنان را برای کار اجرائی صالح نمی داند: "... چون در کنار همه\* حرفهائی که زدم به یک نکته\* مهم باید توجه شود و آن اینکه ترکیب جسمی زن با ترکیب جسمی مرد تفاوت مهمی دارد. در مرحله اجرائی که میرسد، کارها فرق میکند". "حجت الاسلام" خامنه ای که شوخی تاریخ و وظیفه\* ریاست قوه\* مجریه\* میهن ما را به عهده\* او گذاشته است باید به گونه ای روشن و مشخص بگوید که آیا فقط ترکیب جسمی زنان "مسلمان" با ترکیب جسمی مردان "مسلمان" تفاوت دارد و یا این یک حکم کلی برای تمام بشریت است؟ در اینصورت باید توضیح بدهد که چرا بانو ایندیرا گاندی سالیهای طولانی رئیس با اقتدار قوه\* مجریه\* کشور بزرگ و پر جمعیت هندوستان بود که دهها میلیون مسلمان نیز در آن زندگی می کنند؟ چرا نخست وزیران کشورهای پیشرفته\* سرمایه داری مانند بریتانیا و نروژ زن هستند؟ و اگر بخواهیم به نمونه های بد اشاره کنیم آیا بانو گلدامیر نخست وزیر خونخوار پیشین اسرائیل، دست کمی از اسحق شامیر نخست وزیر کنونی داشت و کمتر از او زنان و کودکان بیگناه فلسطینی را کشت و سرزمین های فلسطینی را غصب کرد؟

در سراسر جهان بویژه در کشورهای سوسیالیستی میلیونها زن کارهای اجرائی مهمی را در دست دارند و ثابت کرده اند که از این نظر میان مرد و زن تفاوتی نیست. تنها برخورد زن ستیزانه\* سران مرتجع جمهوری اسلامی است که مایه\* این نتیجه گیریهای نادرست می شود.

رژیم جمهوری اسلامی، که همه\* راهها را برای ورود زنان زحمتکش و روشنفکر به عرصه\* زندگی سیاسی و اجتماعی سد کرده است، تنها چند زن "نیمه آخوند" را بطور نمایی به مجلس می فرستد، تا تظاهر به شرکت داشتن زنان در مسائل مملکتی کند. ولی کدام زنی است، که فریب این ریاکاری را بخورد و حرف رئیس جمهور را باور کند که "بهر حال جمهوری اسلامی جای خوبی است برای حل اینگونه مشکلات!"

## حقوق بشر "فقاہتی"

سردمداران حکومت "ولایت فقیه" هرازچندی نظریه جدیدی می سازندومی پردازند.

از جمله اینک که فشار افکار عمومی در ایران و سراسر جهان در زمینه رعایت حقوق بشر آنان را در تنگنا گذاشته است تلاش می کنند جهت کسب اعتبار و آبروی ازدست رفته تزهائی "نوینی" ارائه دهند.

در کنفرانس "اندیشه اسلامی"، محمدتقی جعفری، یکی از نظریه پردازان رژیم، به تفصیل درباره حقوق بشر در اسلام سخنرانی کرد و فشرده مواضع رژیم را پیرامون آن بیان داشت. وی با اشاره به اصول "اسلامی" پیرامون "حق حیات" گفت: "در ارزیابی حیات انسان هدف ما را هم باید در نظر گرفت. در غیر این صورت انسان آلت دست ماکیارولی های روزگار خواهد شد". او سپس افزود: "کسانی که اعلامیه حقوق بشر را نوشتند از مہائی و اصول اسلامی اطلاعی نداشتند". از اینرو "اعلامیه حقوق بشر" به ما توضیح نداده است در آنجا که بحث کرامت و حیثیت انسانی را مطرح می کند، منظور کدام کرامت است. آنها همچنین به ما نگفته اند آزادی یعنی چه؟ آیامقصود از آزادی رهائی است یا منظور اعطای امتیاز و برخورداری از آزادی است. برای رسیدن به کمال در اعلامیه ۲۰ ماده ای حقوق بشر هیچ چیز وجود ندارد".

شاید آقای جعفری معتقد است تنها در ایران فقاہتی که روزی صدبار شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" و روزی سه بار سرود "ما همه پیرو خط رهبریم بر صف مشرکان حمله می بریم" به گوش می رسد انسان ها به حد "کمال" رسیده اند.

محمدتقی جعفری با طرح این سؤال که آیا ماده اول حقوق بشر خود باعث توقف و رکود انسان ها نشده است گفت: "چه می شد اگر به این ماده یک جمله خدمت به انسان و فضیلت را اضافه می کردند و تنها نمی گفتند تمام انسان ها با هم برادر و برابری و مساوی هستند". واقعا هم آیا "زحمات" کسانی نظیر لاجوردی و گیلانی که برای "خدمت به انسان ها" نهایت کوشش را کردند و با شکنجه دگرانديشان انسان دوست و با فضیلت "اوین" را به "دانشگاه" تبدیل ساختند و همچنین موقعیت و مقام سرمایه داران بزرگ و ملاکان عمده که خمس و زکات و سهم امام می پردازند و مساکین را اطعام می کنند با شکنجه شدگان و پاپرهنگان یکی است؟

بقول زنده یاد افراشته شاعر توده "آنکه در عرش ندیده رنگ ده سی نوید ده که گندم را پده! او ندارد فرق با آن پرزگر - کو برابری می پرد با کاوثر؟"

سیس محمدتقی جعفری که زمانی بعلت "سطحی دانستن" ژان پل سارتر نویسنده و فیلسوف فرانسوی حاضر به گفتگو با او نشده بود به چنگ ولتر، اندیشمند والای فرانسوی، رفت و در پاسخ به این گفته او که آماده است در راه آزاد بودن

مخالفتان خود برای اظهار عقیده حتی جان خود را فدا کند گفت: "ما با این گفته مخالفیم و به چنان ولتر می گوئیم حرفی که باعث سلب آزادی انسان ها و یوچ شمردن آنها شود برای ما ارزشی ندارد. ما عاشق آن طور آزادی نیستیم". یعنی ما فقط "آزاد بودن" در چارچوب "حاکمیت مطلقه ولایت فقیه" را قبول داریم و همه منکران و مخالفان آنرا به "دانشگاه اوین" می بریم و داغ و درفش می کنیم. اگر "دو اطلبانه" توبه کردند که هیچ، وگرنه آنرا "مقدس فی الارض" تشخیص می دهیم و اعدام می کنیم.

سخنران در پایان اظهار فضل کرد که اعلامیه حقوق بشر فاقد خیر و کمال و تحصیل آزادی برای انسان هاست و ما امیدواریم به همت علما و متفکران جهان اسلام برای تدوین اعلامیه ای تحت عنوان "اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام" تلاش شود.

می گویند: سالی که نکوست از بهارش پیداست. مردم میهن ما "حقوق بشر فقاہتی" را با گوشت و پوست خود تجربه کرده اند. اگر همین تدوین کنندگان "حقوق بشر فقاہتی" در تدوین "اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام" هم شرکت داده شوند، آیا تازیانه خوردن و قطع دست و پای دست از پا خطا کردگان و حق حیات نداشتن "ملحدین" و "مشرکین" و "منکران ولایت فقیه" در اعلامیه حقوق بشر وارد نخواهد شد؟



## افزایش ناراضی در جبهه ها

عوارض وخیم ناشی از جنگ هشت ساله ایران و عراق، سران چ.ا. را بر آن داشته است تا با ترفندهای تبلیغاتی سعی در وارونه جلوه دادن حقایق کنند. از آن جمله می توان به تبلیغ وسیع رژیم در رابطه با اعزام نیروهای داوطلب به جبهه های جنگ و بالابردن روحیه پرسنل ارتش و سپاه اشاره کرد. ولی گزارش های رسیده از جبهه های جنگ حاکی از انفعال روزافزون سربازان و درجه داران و افسران جزء ارتش جمهوری اسلامی است. که به اشکال گوناگون، مثلا خودداری فردی از شرکت در حمله ها و فرار از خدمت و اظهار ناراضیاتی از تجاوز به خاک عراق، اعتراض خود را به ادامه جنگ خانمان سوز نشان می دهند. براساس نامه های رسیده بسیاری از سربازان و درجه داران با ادامه حملات، که هر بار منجر به کشته و زخمی شدن بخشی از آنان می شود مخالفند و در نشست های پنهان ضدیت صریح خود را با هرگونه عمل تجاوزکارانه ای ابراز می دارند. پرسنلی که برای آزادسازی خاک ایران تا خردادماه سال ۶۱، هنگام فتح خرمشهر، در جبهه ها با تمام توان می رزمیدند، اکنون در خود انگیزه ای برای شرکت در جنگ نمی بینند.

تعداد زیادی از پرسنل نیز در اثر تداوم حضور در خطوط مقدم جبهه به انواع و اقسام بیماری های روانی دچار شده اند. استفاده از مواد مخدر برای کاهش وحشت سخت شایع است و چالب است که چاسوسان رژیم در این رابطه با اغماض رفتار می کنند. فساد به اشکال گوناگون در جبهه ها وجود دارد. گاه در جبهه ها مسائل شرم آوری اتفاق می افتد که بیان آنها نفرت انگیز است. از برخی از عوامل رژیم حرکتی سر می زند که واقعا زنده است و انسان بودن آنان را زیر علامت سؤال می برد. خرابکاری در وسائل جنگی پدیده تازه ای نیست و بسیار رواج دارد. مانند در پشت جبهه به بهانه های مختلف از شیوه های رایج فرار از جنگ است. سربازان وظیفه با اتهام های جوراچور محاکمه و به اضافه خدمت محکوم می شوند. تشکیل دادگاه صحرائی و گاهی تیرباران فراریان دستگیر شده برای عبرت دیگران نیز بارها اتفاق افتاده است. خدمت اجباری، بیش از حد مقرر، امر بیش یا افتاده ای است.

شایان توجه است که عناصر آگاه و مهارز، سربازان مخالف را در گروه های کوچک گرد هم می آورند و با اعتراض به ناراضی های موجود سعی می کنند که جنبش مخالفت با جنگ را وسعت بخشند. در مقابل، ماموران رژیم با طرح مسائل صنفی و با بجان هم انداختن پرسنل ارتش می کوشند تا صداهای اعتراض را خاموش سازند. با اینحال، جنبش مخالفت با جنگ در جبهه و پشت جبهه هر روز دامنه وسیع تر می گیرد. با برخورد هشیازانه با پدیده مقاومت سربازان و درجه داران و افسران جزء و غیره در جبهه ها و ارتقاء آن از شکل خودیو به شکل سازمان یافته می توان به رژیم جنگ طلب ضربات موثری زد.

### به برنامه های

## رادبوی زحمتکشان ایران

### گوش فرادهید!

هم میهنان عزیزا کارگران و زحمتکشان! رادبوی زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی بند و آزاد توده های رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادبوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادبوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۲۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادبوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## اعزام اجباری تاسقف ۲۰٪

همپای گسترش فزاینده ناخشنودی و مخالفت مردم با ادامه جنگ و عدم استقبال بیش از پیش زحمتکشان از رفتن به جبهه های مرگ، رژیم با استفاده از اشکال و وسایل گوناگون از جمله صدور بخشنامه های رنگارنگ، تلاش می ورزد گردآوری اجباری گوشت دم توپ را سازمان دهد. بخشنامه زیر که از سوی وزیر کار و امور اجتماعی برای اعزام اجباری تاسقف ۲۰٪ صادر شده، نمونه ای از این تلاش هاست. چنانکه در بخشنامه آمده است، در واقع تاکید وزیر کار بر آنست که "واحدها به نحوی برنامه ریزی نمایند که... فقط داوطلبان به جبهه اعزام نشده بلکه فرصت اعزام برای کلیه شاغلین شکل مساوی وجود داشته باشد".

## به مامی نویسند

### شکار جوانان

در سراسر ایران شکار جوانان رواج پیدا کرده است. کمیته ها، سپاه، ژاندارمری در هر گوشه و کناری کمین می کنند تا جوانان را دستگیر و بزرگه جبهه های جنگ روانه سازند. در اکثر موارد جوانان فرار می کنند و مردم به آنان پناه می دهند. جوانی را در یکی از محله های تهران دستگیر کرده بودند و می گفتند: "سرباز هستی و باید به جبهه بروی". در این موقع زنی خود را مادر آن جوان معرفی کرد و آنچنان سر و صدا برآه انداخت که "پسرم محصل است و شما حق ندارید محصل ها را دستگیر کنید"، که بالاخره توانست جوان را از دست کمیته چپ ها برهاند و او را فرار دهد.

\* تعداد زیادی از زندانیان معتاد را روانه جبهه ها کرده اند. به زندانیان معتاد گفته می شود اگر به جبهه بروند دوره \* محکومیتشان به نصف تقلیل پیدا می کند.

\* میان تعاونیهای مسافربری هفده گانه تهران با سپاه پاسداران و نخست وزیر اختلافت جدی بروز کرده است. سپاه اعلام کرده اتوبوسهایی که به خارج از کشور می روند، برای اینکه مسافران حجاب اسلامی و شرع اسلام را رعایت کنند و افراد مشکوک در میان آنها نباشند و قاچاق صورت نگیرد باید با هر اتوبوس یک بازرس فرستاده شود که خرج رفت و برگشت او را باید تعاونیهای هفده گانه بپردازند. تعاونیها از سوی خود گفته اند با وضعیتی که در مورد لوازم بدکی ماشینها و لاستیک و از همه مهمتر گرانی کمرشکنی که وجود دارد آنها خرج خود را بزرور در می آورند چه رسد به اینکه با هر اتوبوس بازرسی را مجانی تا آلمان غربی یا کشورهای دیگر ببرند و برگردانند. چون تاکنون نتوانسته اند این طرح را تحمیل کنند از خروج اتوبوسها ممانعت بعمل می آورند و به مسافرین اعلام کرده اند به هر کجا (حتی ترکیه) که می خواهند بروند با هواپیما مسافرت کنند. هزینه پرواز با هواپیما فوق العاده زیاد است.

اداره کل کار و امور اجتماعی منطقه شمال استان مرکزی  
بسمه تعالی

مدیریت محترم  
سلام علیکم :

به پیوست تصویر بخشنامه شماره ۵۵۷۲۴ مورخ ۶۶/۹/۲۰ و زهر محترم کار و امور اجتماعی برادر سرحد یزاده ارسال میگردد.

شایسته است ترتیبهی اتخاذ گردد تا مفاد بخشنامه کاملاً رعایت شده تا در راه تحصیل رضای حق گامی مؤثر برداریم.

ومن الی التوفیق

مدیر کل کار و امور اجتماعی منطقه شمال استان مرکزی (کرج)

رضا سرائی



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کار و امور اجتماعی

"بخشنامه"

به کلیه مدیران محترم واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی

با سلام و آرزوی طول عمر امام امت روحی له الفداء و پیروزی عاجل رزمندگان اسلام با توجه به لایحه جدید کارکنان دولت، کارگران اصناف و کلیه اقتدار و امت شهید پرور به ندای مقام معظم رهبری در جهت مقابله همه جانبه با شیطان بزرگ و کلیه نوکرانش در منطقه بخصوص مدام و حزب بعث علفلقی عراق بجا و لازم است در اجرای مصوبات اخیر شورای عالی محترم پشتیبانی جنگ در خصوص امور همه جنگ هر چه سریعتر کلیه کارکنان تحت امر اعم از مدیران و کارگران با هماهنگی نزدیکترین باگه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قالب هسته گروه، دسته، گروهان، گردان، تیپ را تا سقف ۲۰٪ سازماندهی نمایند تا در تاریخهای اعلام شده از طرف سپاه پاسداران بطور متوالی به جبهه های حق علیه باطل اعزام شوند.

لازم به تذکرات مدیران واحدها بنحوی برنامه ریزی نماید تا بتوان تولید یا خدماتی واحدها کاسته نگردد و فقط داوطلبان به جبهه اعزام نشده بلکه فرصت اعزام برای کلیه شاغلین شکل مساوی وجود داشته باشد.

همچنین واحدها بیکه برای آنان یک فصل از سال برای تولید کالاهای اساسی خاص است مثل فصل برداشت در واحدهای کشاورزی نمیتوانند در فصول دیگر به امریهم فوق اقدام نمایند. همچنین برای بالابردن کمیته حضوری پرسنل نمیتوانند در تهران یا معاونت جنگ وزارت کار و امور اجتماعی و در استانها یا مدیران کل کارها هتگی نمایند.

با امید پیروزی سریع اسلام بر کفر

ابوالقاسم سرحد یزاده

وزیر کار و امور اجتماعی

دکتر علی محمدی

بزرگوار  
لطف نظر کردی به طلبه بدست در لاری  
۱۸/۹/۶۶

## رفیق پایانو درگذشت

چنانکه کمیته مرکزی حزب مترقی زحمتکشان قبرس ("آکل") خبر داد، رفیق ازکیاس پایانو، دبیر کل کمیته مرکزی این حزب، در روز یکشنبه ۱۰ آوریل در سن ۲۹ سالگی در نیکوزیاد درگذشت.

رفیق پایانو، که در سال ۱۹۴۹ بسمت دبیر کل کمیته مرکزی "آکل" برگزیده شد، سه هفته پیش از مرگ خود از کمیته مرکزی حزب تقاضای استعفا از مسئولیت حزبی خویش را کرده بود. کمیته مرکزی "آکل" از او خواست، تا گزینش دبیر کل جدید در این مقام باقی بماند.

ازکیاس پایانو در سال ۱۹۲۱ به عضویت حزب کمونیست بریتانیای کبیر درآمد. وی در سال ۱۹۲۶ برای پشتیبانی از جنگ آزادی بخش ملی - انقلابی خلق اسپانیا در صف بریگادهای بین‌المللی علیه فاشیسم و ارتجاع رژیم پسر از جنگ دوم جهانی، ازکیاس پایانو، بر پایه تصمیم "آکل"، به قبرس بازگشت. در سال ۱۹۵۵ استعمارگران بریتانیا فعالیت قانونی "آکل" را منجمد کردند و رفیق پایانو را به زندان افکندند. رفیق توانست در سال ۱۹۵۶ از زندان بگریزد و به مبارزه خود علیه استعمارگران و در راه استقلال قبرس ادامه دهد. رفیق ازکیاس پایانو از هنگام تأسیس جمهوری قبرس تا درگذشت خود، نماینده پارلمان این کشور بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بمناسبت درگذشت رفیق ازکیاس پایانو نامه تسلیت زیر را به کمیته مرکزی "آکل" فرستاد:

رفقای عزیز،

با اندوه فراوان از درگذشت رفیق ازکیاس پایانو، دبیر کل کمیته مرکزی "حزب مترقی زحمتکشان قبرس" ("آکل")، آگاه شدیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه دردناک را به شما و همه کمونیستهای قبرس تسلیت می‌گوید.

رفیق پایانو در دهه فعالیت سیاسی خویش را وقف پیکار جانبازانانه و خستگی‌ناپذیر در راه مصالح طبقه کارگر و خلق قبرس و پیشبرد آرمانهای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری کرد. وی در مبارزه دیرپا و دشوار خلق قبرس و "آکل" برای رهایی از بند استعمار بریتانیا و دفاع از وحدت، استقلال ملی و تمامیت ارضی قبرس سهمی سترگ داشت. از جمله در پرتو مبارزات این رفیق فداکار بود، که "آکل" به حزب توده ای مردم قبرس بدل شد.

با درگذشت رفیق ازکیاس ما توده‌ایها نیز هم‌رزمی فراموشی‌ناپذیر را در سنگر مشترک پیکار در راه صلح و پیشرفت اجتماعی از دست دادیم و خویشتن را در سوگاری این کمونیست و انترناسیونالیست بزرگ شریک می‌بینیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: علی‌خاوری

## جلسه مشورتی درباره ماهنامه "مسایل صلح و سوسیالیسم"

روز سه شنبه ۱۲ آوریل جلسه مشورتی درباره فعالیت ماهنامه "مسائل صلح و سوسیالیسم" در پراگ آغاز شد. در این جلسه نمایندگان ۱۲ حزب کمونیستی و کارگری جهان از جمله حزب توده ایران، شرکت داشتند.

گزارش کار و نتایج این نشست و سخنرانی نماینده حزب توده ایران در "نامه مردم" منتشر خواهد شد.

## همبستگی با رفقا کوتلو و سارگین

در چارچوب کارزار جهانی همبستگی با رفقا حیدر کوتلو و نیهت سارگین، همسر رفیق کوتلو چند روزی در پاریس بود و اعمال ضد انسانی رژیم ترکیه را در مورد زندانیان سیاسی برای سازمان‌ها و شخصیت‌های دمکراتیک توضیح می‌داد. در جلسه‌ای که به دعوت تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بمناسبت ۸ مارس در پاریس تشکیل شده بود پایانو کوتلو نیز شرکت کرد و ضمن آشناسدن با همبستگی زنان مترقی ایران با رفقا کوتلو و سارگین و دیگر زندانیان سیاسی ترکیه به پرسش‌های شرکت‌کنندگان در جلسه پاسخ گفت.

\*

"گامی نخستین بسوی آینده‌ای آکنده از امنیت بیشتر برای مردم افغانستان" ارزیابی کرد. وی اهمیت این قراردادها را برای بهبود مناسبات میان ایالات متحده و اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت.

وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا این "حق" را برای کشور خود قائل شد، که به کمک نظامی به "جنگ مقاومت افغانستان" ادامه دهد. بگفته او ایالات متحده آمریکا در عین حال، "خویشتن داری را با خویشتن داری" پاسخ خواهد گفت.

عبدالوکیل، وزیر خارجه افغانستان، قراردادهای چهارگانه را "توافقی فراگیر و همه‌جانبه" درباره حل مسئله افغانستان، بویژه در جهت "خاتمه پخشیدن به مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان" خواند. وی از همه طرف‌های ذینفع خواست، که به اجرای قراردادها وفادار بمانند.

بنظر زین نورانی، وزیر خارجه پاکستان، "دوستی و همکاری میان افغانستان و پاکستان ضرورتی تاریخی است". او ابراز امیدواری کرد که "قراردادهای ژنو" به برقراری صلح در منطقه کمک برساند.

افغانستان خواهد بود.

در کنفرانس‌های مطبوعاتی، که پس از پایان مراسم "در کاخ ملت‌ها" برگزار شد، وزیران خارجه اتحاد شوروی، ایالات متحده، افغانستان و پاکستان درباره قراردادهای چهارگانه اظهار نظر کردند. بگفته ادوارد شوارنادزه، این توافقی‌ها نمی‌توانست بدون "حسن نیت و مصالحه جوئی خردمندانه طرفین" بخاطر امر صلح و امنیت حاصل گردد. وی افزود، که اتحاد شوروی از آنسو به امضای قراردادهای ژنو خوش آمد می‌گوید، که از اینراه "مداخله در امور داخلی افغانستان پایان یابد و مردم این کشور بتوانند در صلح و تقام زندگی کنند". شوارنادزه یادآور شد، که اظهاریه‌های میخائیل گابراچف و نجیب‌الله در فوریه و دیدار این دو در تاشکند، در ۷ آوریل، راه را برای امضای قراردادهای چهارگانه هموار ساخت. وی همچنین از مصالحه‌جوئی طرف‌های ذینفع و "برخورد واقع‌بینانه رهبری پاکستان" سخن گفت و براهمیت توافق با ایالات متحده در زمینه تضمین اجرای قراردادها تاکید ورزید. شوارنادزه گفت، که با امضای قراردادهای ژنو امکانات اتحاد شوروی در راستای حل مسئله افغانستان پایان نخواهد یافت.

جورج شولتز، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، رعایت اکید قراردادها را بعنوان

## امضای قراردادهای حل...

مناسبات متقابل برای حل اوضاع مربوط به افغانستان. جورج شولتز و ادوارد شوارنادزه، وزیران خارجه ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی، فزون بر امضای قرارداد سوم، اظهاریه‌ای را نیز درباره تضمین بین‌المللی اجرای این موافقت‌نامه‌ها امضا کردند.

قراردادهای چهارگانه درباره حل مسئله افغانستان از روز ۱۵ مه ۱۹۸۸ به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد. یادآور می‌شویم، که اتحاد شوروی و افغانستان در "بیانیه تاشکند" این تاریخ را بعنوان آغاز خروج واحدهای محدود اتحاد شوروی از خاک افغانستان اعلام کرده بودند. "قراردادهای ژنو" همچنین شامل یک "یادداشت تقام" می‌شود، که در آن شیوه‌های نظارت سازمان ملل متحد بر اجرای این قراردادها تعیین گشته است. پرس دکوئیاری "قراردادهای ژنو" را بعنوان "دستاوردی مهم" ارزیابی و ابراز امیدواری کرد، که امضاء کنندگان آنها پایبندی خویش را به اصول مورد توافق نشان دهند و از اینراه به پیشبرد مصالح مردم افغانستان و تحکیم صلح در منطقه و جهان کمک رسانند. پرس دکوئیاری یادآور شد، که سازمان ملل متحد همچنان پشتیبان مردم

آدرس پستی:  
P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

NAMEH  
MARDOM  
NO: 203

19 April 1988

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است